

اصلاحات مستمري‌ها:

اصول و مباني، تحليل روش‌ها و خطاها

* مترجم: کاوه مهر

پيشگفتار:

اين مقاله يک سري قواعدی را که دارای ريشه در تئوری‌های اقتصادی برای طراحی مستمري‌ها تشریح شده است ارائه می‌کند.

سیستم‌های مستمري دارای اهداف چند جانبه‌ای می‌باشند که در تجزیه و تحلیل‌ها باید این سیستم را به عنوان یک اصل کلی در نظر داشته باشیم. تجزیه و تحلیل‌ها باید در چارچوب بهترین سیستم مستمري از نوع دوم قرار گیرد و سیستم‌های دیگر به روش‌های متفاوت در مخاطرات مشارکت و سیستم‌ها باید از لحاظ نسل و جنسیت دارای تأثیر مختلفی باشند. این مبحث با توجه به شناسایی و تحلیل خطاها و اشتباهاتی که تنها در کار بانک جهانی مشاهده شده‌است، مانند داشتن دیدگاه سطحی، استفاده نامناسب از تجزیه و تحلیل‌های اولیه و دولتی، تجزیه و تحلیل نامکفی بدهی مستمري ضمنی، تجزیه و تحلیل نارسای تأثیر ذخیره‌سازی (شامل تأکید مضاعف بر جریان‌های مالی، عدم توانایی در بررسی نحوه ایجاد ذخایر و تأکید نامناسب بر نوع سرمایه‌گذاری در ذخایر مطمئن) و نادیده گرفتن تأثیر توزیعی، ارائه شده می‌باشد.

بخش دوم مقاله کاربرد روش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد: هیچ طرح مستمر مستقلی که ایده‌آل باشد وجود ندارد، بازنشستگی پیش از موعد جهت کاهش بیکاری کارآمد نبوده و تعهدات مستمري ناپایدار نیازمند پاسخگویی مستقیم می‌باشد، حرکت از سیستم توازن هزینه با درآمد

(payg) بسوی سیستم سپرده گذاری (Funding) در یک سیستم اجباری ممکن است سطح رفاه را افزایش دهد و یا برعکس و طراحی روش‌هایی که از ظرفیت و توان کشور فراتر برود، روش‌های مناسبی نخواهند بود. ما در این مقاله به تشریح طیف طرح‌های سیستم‌های مستمری می‌پردازیم که با محدودیت‌های ظرفیت سازمانی و معیارهای مالی مناسب می‌باشند و در سطوح مختلف توسعه اقتصادی ممکن است بکار روند.

به عنوان مثال نیوزیلند با توجه به حق انتخاب و بدور از محدودیت دارای یک سیستم ساده پرداخت مستمری می‌باشد.

مقدمه:

این مقاله نتایج تحلیل‌های اصلی و خط‌مشی گزارش‌های کارشناسان بانک جهانی، نیکولاس بار و دیاموند (سال ۲۰۰۸ و سال ۲۰۰۹) را مورد بررسی قرار می‌دهد، این گزارش‌ها دارای دو زمینه ریشه‌ای می‌باشند. اولین مورد تقاضای دولت جمهوری خلق چین جهت ارزیابی سیستم مستمری آنها و تهیه گزارشی در این خصوص برای پیشبرد مباحث سیاسی و گزارش ارائه شده در سال ۲۰۰۴ در سایت اینترنت در دسترس بوده است. دومین مورد ارزیابی مطالعات بانک جهانی از سوی (هلزمن و هینز سال ۲۰۰۵) می‌باشد که به عبارتی این گزارش‌ها غیرمکفی تشخیص داده شده‌است.

این مقاله با تئوری اقتصادی مربوطه آغاز که اصول و اهداف تحلیلی و برخی اشتباه‌های تحلیلی معمول را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش دوم کاربردها خط‌مشی را مورد بحث قرار می‌دهد. دلیل اولیه بحران مستمری‌ها در بسیاری از کشورها سازگاری با روش‌های بلند مدت می‌باشد. یعنی افزایش امید به زندگی، کاهش

باروری و بازنشستگی پیش از موعد به علاوه دو پدیده اخیر یعنی تولید مثل (در سطح گسترده و نه هنوز در سطح جهانی) و افزایش کلی در میزان سیستم‌های مستمری. فشار قابل توجهی را بر این بحران وارد نموده‌است. از این رو انجام اصلاحات در زمینه مسائل مالی می‌تواند فرصتی را برای بهبود طراحی مستمری‌ها فراهم نماید.

سیستم‌های مستمری با نرخ‌های حق بیمه، مزایای ماهانه و سنین بازنشستگی تعیین شده از قبل با بازنشستگی بلند مدت ناشی از افزایش طول عمر و متوسط سن بازنشستگی قبلی و افزایش نرخ وابستگی ناشی از کاهش باروری سازگاری ندارد. از این رو تاحدی تعدیل ضروری و حتی بدون در نظر گرفتن افزایش تولید مثل می‌تواند انجام شود، با در نظر گرفتن شباهت قابل توجه در هرم سنی که برای سال ۲۰۵۰ برای کشور چین طراحی شده (که سیاست تک فرزندی را اتخاذ نموده) ایالات متحده با افزایش جمعیت روبه‌رو و هند با هیچ یک از این موارد روبه‌رو نبود. منبع اصلی مشکلات مالی به جز انطباق با رشد قیمت‌ها، سیستم‌های سنتی و پرداخت مزایای معین دارای یک طرح ساکن بودند که هیچ‌نوع سازگاری خودکار با روش‌های روندهای جمعیتی نداشتند. این یک مشکل ماهیتی نیست. سیستم مبتنی بر مزایای معین می‌تواند طوری طراحی شود که به طور خودکار با متغیرهای جمعیتی هماهنگ باشد، همان‌گونه که در اصلاحات اخیر آلمان نشان داده شد.

با داشتن سیستم‌های مبتنی بر سپرده‌گذاری حق بیمه معین و سیستم‌های اسمی مبتنی بر حق‌بیمه معین به شکل دیگری است. هر دو سیستم سطح مزایا را با بودجه موجود تعدیل می‌نمایند. یعنی از طریق نرخ‌های حق بیمه تعیین شده و سنین دسترسی زودتر به مزایای بازنشستگی، پس مشکل پایداری طرح نیست و عدم امکان سطوح مزایای مکفی می‌باشد.

اصول و مبانی اصول تجزیه و تحلیل:

تئوری اقتصادی یک سری نتایج را در خصوص مستمری‌ها پیشنهاد می‌نماید سیستم‌های مستمری دارای اهداف چندگانه می‌باشد.

اهداف اصلی افراد، خانواده‌ها تعدیل مصرف و بیمه می‌باشد. دولت‌ها دارای اهداف مضاعف‌اند که شامل کاهش فقر و توزیع مجدد درآمد تحلیل‌ها باید با در نظر گرفتن این نیازها و به موازات اهداف دیگر مانند کارایی اقتصادی، رشد و گسترش تولید و بازدهی، صورت پذیرد. در تجزیه و تحلیل‌ها سیستم مستمری باید به عنوان یک اصل کلی در نظر گرفته شود.

طرح مستمری، بازارکار، رشد اقتصادی، توزیع ریسک و توزیع درآمد را از لحاظ نسل و جنسیت تحت تأثیر قرار می‌دهد. همزمان تغییر در یک بخش مستلزم تغییر در بخش‌های دیگر است. هیچ‌گونه کارایی در طرح مستمری بدون انجام تغییرات با توجه به اهداف طبقه‌بندی شده و توزیع مجدد درآمد امکان‌پذیر نخواهد بود.

باکس شماره یک - اصطلاحات

مستمری پایه حق بیمه‌ای - یک مستمری اغلب با نرخ ثابت به فردی که دارای سابقه کامل پرداخت حق بیمه می‌باشد یا به تناسب به فردی که دارای سابقه کامل پرداخت حق بیمه نمی‌باشد پرداخت می‌شود. مستمری مبتنی بر مزایای معین (DB) - یک مستمری که در آن مزایا با توجه به سابقه درآمدهای مشمول مستمری کارگران تعیین می‌شود. این فرمول ممکن است، بر پایه آخرین دستمزد کارگر و مدت زمان خدمت و یا بر پایه دستمزد در دوره طولانی‌تر باشد، به عنوان مثال مدت زمان کامل خدمت کارگر محاسبه شود.

یک سیستم DB می‌تواند، به طور کامل یا جزئی سپرده‌گذاری شود. در یک سیستم کامل DB حق بیمه برای تحت پوشش قرار دادن تعهدات تعدیل می‌شود. تا جایی که میزان سپرده‌گذاری حفظ شود

حق بیمه‌ها برای انجام تعهدات پیش‌بینی شده تعدیل می‌شوند. بنابراین ریسک نرخ‌های متفاوت بهره برای دارایی‌های مستمری بر عهده ضامن خواهد بود.

مستمری مبتنی بر حق بیمه معین (DC) - یک مستمری که در آن مزایا با توجه به ارزش سرمایه‌های درآمدهای ذخیره شده جهت مستمری فرد تعیین می‌شود. مزایا به صورت مبلغ مقطوع با توجه به برداشت‌های بانکی یا با خرید سنوات می‌باشد. بنابراین ارزش نزولی مورد انتظار مزایا برابر با ارزش دارایی‌هاست یعنی مزایای ارزیابی شده بر اساس محاسبات آکتوئری. بدین صورت یک طرح DC تعهدات را جهت برابری با ذخایر در دسترس هماهنگ می‌کند، به نحوی که فرد ریسک دارایی‌ها را متحمل می‌شود.

مستمری‌ها بر پایه سپرده‌گذاری کامل، تمامی مزایا را از محل ذخایر جمع‌آوری شده پرداخت می‌کند. مستمری‌های سپرده‌گذاری شده جزئی مزایا را از محل دارایی‌های جمع‌آوری شده و حق‌بیمه‌های جاری پرداخت می‌کند.

مستمری همگانی غیر مشارکتی (بدون پرداخت حق‌بیمه) بر اساس سال‌های اقامت قرار دارد. مستمری‌های اسمی بر پایه حق بیمه معین (NDC) بر اساس سیستم توازن هزینه با درآمد یا به صورت سپرده‌گذاری جزئی تأمین می‌شود، یعنی مستمری فردی که بر حسب محاسبات آکتوئری و پرداخت حق بیمه در دوران زندگی تعیین می‌شود.

مستمری‌های مبتنی بر سیستم توازن هزینه با درآمد (PAYG) - این گونه مستمری‌ها بر اساس درآمد جاری به طور معمول از سوی دولت و از طریق دریافت مالیات و به طور معمول مستمری‌ها مبتنی بر سپرده‌گذاری جزئی بعنوان سیستم توازن هزینه با درآمد (PAYG) نام برده می‌شود که از طریق جمع‌آوری سپرده‌گذاری‌ها پرداخت می‌شوند.

باکس شماره ۲- انحراف از مسیر بهترین طرح اولیه

از نقطه نظر سپرده گذاری در بهترین طرح اولیه جهان، فرض بر این است که فرد در زمینه پس انداز، وام، انتخاب موجودی و سنوات گزینه هایی داشته باشد تا بتواند منفعت خود را در یک بازار قیمت گذاری شده از طریق رقابت افزایش دهد.

در این شرایط، انتخاب مصرف کننده و بازارهای رقابتی از طریق توزیع مجدد مبلغ مقطوع ارائه شده میزان رفاه را افزایش می دهد. با این حال مستمری ها با مسیرهای انحرافی در دنیای تئوری مواجه هستند.

اطلاعات غیرمکفی - استفاده بهینه از بازارها مستلزم درک مردم از ابهامات مخاطرات پیش رو و راه حل هایی که بازارها ارائه می دهند، می باشد. در حقیقت افراد اطلاعات مکفی و صحیح نمی رسد.

برخی افراد اطلاعات ضعیفی نسبت به ریسک ها و احتمال هایی که با آن مواجه هستند دارند، به عنوان مثال در مورد مزایای آینده طرح های مبتنی بر مزایای معین و طرح های مبتنی بر حق بیمه معین.

بسیاری افراد دارای دورنمای اصلی در زمینه امور مالی نیستند. ارسزاگ و ستیگلیتر به نقل از رئیس اوراق بهادار ایالات متحده و کمیسیون ارز و مبادلات بیان کردند که بیش از ۵۰ درصد اهالی امریکا تفاوت بین سهام و اوراق قرضه را نمی دانند. این مشکل نیز دارای کاربردهای توزیعی مانند فقر اطلاعاتی و فقر مالی می باشد که دارای ارتباط زیادی هستند.

طرح های مزایای معین پیچیده بوده و قابلیت درک کامل را ندارند. یعنی طرح های مشارکتی، نقل و انتقال نیروی کار، تغییرات طرح و مشکلات مالی شرکت، کاربردهایی برای مستمری ها دارد که به آسانی دیده نمی شود. پیچیدگی نیز به همان نسبت معضلی در رابطه با سیستم های دولتی است.

زمانی که مشکل برای تعداد زیادی از نمایندگی ها بسیار پیچیده است مشکلات ناشی از پردازش اطلاعات مطرح می شود، حتی زمانی که آنها اطلاعات لازم را ارائه می نمایند.

در جایی که افق زمانی طولانی می‌شود، چنین مشکلاتی بیشتر مطرح می‌شوند، نتیجه شامل احتمال‌های پیچیده با جزییاتی که ذاتاً پیچیده هستند می‌گردد، مشاوره می‌تواند پرهزینه بوده و مکفی نباشد.

به این دلیل و دلایل دیگر، تصمیم‌گیری‌های ضعیف دارای ماهیت توجه‌کننده بیمه اجباری می‌باشند و یک فرضیه ساده از حداکثر استفاده منطقی، پایه و اساس خوبی برای طراحی، روش‌های مستمری بشمار نمی‌آید.

بازارهای ناقص - بازارهای واقعی جهت ارائه تولیداتی که از طریق رقابت قیمت‌گذاری می‌شوند و برآوردن نیازها و خواسته‌ها حتی یک مصرف‌کننده مطلع دارای اختیارات محدودی هستند. در مورد درآمد بازنشستگی، بازار برای قراردادهای شاخص‌بندی شده ضعیف است. اطلاعات غیر همگن در بازارهای بیمه، بیمه کامل را ناممکن می‌سازد و زمانی که از طریق اشتغال بیمه فراهم می‌شود، تصمیمات بازارکار ممکن است نامتعارف باشد. شرکت‌های بیمه باید خود را با مصرف‌کنندگان بالقوه، مخاطرات و نیز هزینه‌های مختلف وفق دهند و تولیدات خود را در راستای پاسخگویی به تصمیم‌گیری ضعیف مصرف‌کننده انجام دهند یعنی از طریق اجباری کردن بیمه می‌توان با مشکل انتخاب معکوس را مقابله نمود. به طور کلی بازار تولیدات بیمه پرهزینه است، بنابراین تولید یکسان توسط دولت دارای هزینه کمتری است. افزایش مالیات انحراف بیشتری از مسیر اولین و بهترین گزینه است. در مقایسه با طرح‌های مبتنی بر حق بیمه معین و مزایای معین، بیان این که یک روش بر دیگری ارجحیت دارد با توجه به وجود تغییرات بازارکار، ناممکن است:

با وجود افزایش مالیات بر درآمد سالانه بشکل تصاعدی و موارد درآمد مربوط به سن و سال که به طور معمول به صورت واقعی و بتدریج افزایش می‌یابد. نرخ مالیات بر درآمد بطور میانگین رو به افزایش است. بدین صورت یک سیستم مزایای معین که به خوبی طراحی شده است می‌تواند دارای نتایج بهتری برای بازارکار باشد زیرا فشار کلی مالیاتی که مالیات بر درآمد به علاوه مالیات خالص تأمین اجتماعی در

چرخه زندگی کمتر تغییر می‌کند. یعنی مالیات‌های درآمد برای جوانان کمتر بوده و مالیات‌های تأمین اجتماعی خالص بیشتر می‌باشند. بنابراین بدون انجام یک محاسبه کامل، فرد نمی‌تواند به نتیجه مؤثری دست یابد.

این گونه مسیرهای انحرافی از اولین و بهترین هزینه این سؤال را مطرح می‌کند که ماهیت نمونه ساده انتخاب بازار و رقابت چیست؟ برخی از مشکلات بوجود آمده با انتخاب مصرف کننده در باکس شماره سه مطرح شده‌اند.

باکس شماره ۳- آیا مشتریان خوب انتخاب می‌کنند؟ درس‌هایی از اقتصاد رفتاری

بسیاری از افراد برای بازدهی بیشتر در زندگی داوطلبانه پس‌انداز نمی‌کنند و عده کمی با وجود ارزش قابل توجه آنها داوطلبانه سنوات را خریداری نمی‌کنند. مردم موفق به انتخاب نشده یا آنرا به تأخیر می‌اندازند؟

به تعویق افتادن: مردم پس‌انداز را به تأخیر انداخته، پس‌انداز نمی‌کنند یا به اندازه کافی پس‌انداز نمی‌کنند. مردم در زمینه پس‌انداز برای بازنشستگی توافق دارند ولی خود این کار را به تعویق می‌اندازند. اجتناب از انتخاب واضح و روشن: با انتخاب منطقی تفاوتی ندارد که افراد با یک سیستم داخلی یا خارجی رویه‌رو می‌شوند: در عمل عضویت اتوماتیک به مشارکت بیشتر منتهی می‌شود. نرخ‌های مشارکت در طرح‌های ۴۰۱ کارفرما در ایالات متحده با توجه به خودکار بودن عضویت تفاوت فراوانی دارد.

- عدم تحرک: پیچیدگی و تضاد اطلاعاتی به رفتار غیرفعالانه منتهی می‌شود. تعداد بیشتری از راه‌حل‌های ۴۰۱ به مشارکت کمتر منتهی می‌شود. تعداد زیادی از کارگران تازه وارد در کشور سوئد از بین ۷۰۰ صندوق مزایای مشترک هیچ انتخابی نداشتند.

به علاوه، زمانی که مردم انتخاب می‌کنند، انتخاب آنها مفهوم نیست:

خشنودی کوتاه مدت: بسیاری افراد در کمترین سن و سال مجاز برای بازنشستگی که هم برای منافع خود آنها و هم همسران آنها از نقطه نظر بازنشستگی بسیار زود می‌باشد.

چارچوب: انتخاب‌ها بوسیله چگونگی ارائه مزایا همواره تحت تأثیر قرار می‌گیرند، حتی در ساده‌ترین سطح. آن دسته از افرادی که در مرحله نخست از مخاطرات متعاقب مزایا آگاه می‌شوند، به نسبت افرادی که اول از مزایا آگاه می‌شوند و سپس از مخاطرات، انتخاب‌های متفاوتی خواهند داشت. افرادی که به تصمیم‌گیری کمک می‌نمایند فقط می‌توانند اطلاعاتی را به گونه‌ای ارائه دهند ولی متأسفانه طریقه ارائه آنها بدون شک تصمیم‌های افراد را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

شبهات یکی دیگر از انتخاب‌های ضعیف و رایج دیگر سرمایه‌گذاری در ذخایر متعلق به خود کارفرما است، در صورت ورشکستگی شرکت، کارکنانی که در سرمایه‌گذاری مشارکت نموده‌اند به علاوه دستمزد خود، سرمایه انباشته خود را نیز از دست می‌دهند، اتفاقی که برای بسیاری از کارکنان شرکت انرون (Enron) پیش آمد. چنین رفتاری نشان‌دهنده شکست در درک مزایا با مخاطرات متفاوت می‌باشد.

فرمول‌بندی روش چارچوب اولیه از نظر تحلیلی ساده به نظر می‌رسد، ولی یک راهبری نامتناسب در راستای طراحی مستمری در جهانی با ابزار و خط‌مشی محدود و نقائص عمده بازار در باکس‌های شماره دو و سه مورد بحث قرار گرفته است.

به دلایل مذکور در باکس‌های شماره دو و سه، پیشرفت و توسعه در زمینه کمک به مصرف‌کنندگان برای آگاهی بهتر حتی در کشورهای پیشرفته با محدودیت مواجه بوده است. مردم اغلب در انتخابی موفق نمی‌شوند که رفاه بلندمدت آنان را تضمین نماید و به طور معمول هیچ انتخاب روشنی ندارند- برعکس نظریه ساده، ارائه انتخاب‌های محدود به مردم گاهی اوقات

می تواند نتایج را بهبود بخشد همچنین طراحی خطاهای خوب برای مردمی که هیچ انتخاب روشنی ندارند، حساس می باشد. به موازات مشکلات انتخاب در میان تولیدات مستمری، مصرف کنندگان نیز در انتخاب زمان بازنشستگی با مشکلاتی روبه رو هستند. در صورت رابطه قانونی مزایای مستمری با دوران بازنشستگی مورد انتظار فرد، زندگی طولانی و بازنشستگی در یک سن ممکن معین پیش از موعد به طور اجتناب ناپذیری فقر دوران سالمندی را شدیدتر می سازد. این معنا و مفهوم که برخی افراد به دلیل راحتی خود و همسرشان پیش از موعد بازنشسته می شوند به دلیل انتخاب سریع ترین سن احراز مستمری شرایط اهمیت داشته و اهمیت طراحی دقیق محرک های کاری را طی سال های بعد از احراز شرایط بازنشستگی پیش از موعد افزایش می دهد.

علاوه بر مشکلاتی که با انتخاب فرد وجود دارد، تحلیل هایی جهت انحراف از اولین و بهترین طرح که در باکس شماره ۲ آمده به خصوص بازارهای ناقص و تعیین مالیات باید در نظر گرفته شود. بحث در شرایط دومین و از بهترین اهداف چندگانه سیستم های مستمری که بطور همزمان و کامل نمی توان به آنها دست پیدا کرد. بنابراین سیاست را باید بهینه سازی نمود یعنی نه حداقل و نه حداکثر را در محدوده تعدادی از اهداف در نظر گرفت. جهت مونیتور نمودن مراحل تعدیل مصرف، سیستمی پیشنهاد می شود که در آن مزایا دارای رابطه ای صحیح با حق بیمه های انباشته شده کارگران باشد؛ ولی چنین سیستمی در کاهش فقر سالمندی کارگران کم درآمد موفق نبوده و در برابر نتایج بازار کار موافق، ضمانتی ارائه نخواهد داد.

بنابراین روش ها و خط مشی ها باید به دنبال برقرار نمودن بهترین توازن میان تعدیل مصرف، رهایی از فقر، بیمه و توازنی که در هر جامعه ای به این گونه اهداف و اهداف دیگر اهمیت می دهد، باشند.

سیستم‌های مختلف به طرق متفاوتی در مخاطرات سهیم می‌باشند:

در یک سیستم کاملاً مبتنی بر حق بیمه معین و حساب‌های انفرادی، ریسک بازده ناشی از عدم رضایت (به جز مخاطرات طول عمر، در صورتی که مزایا به عنوان مقرری سالانه محسوب شود) بر فرد کارگر تحمیل می‌شود.

تخصیص مخاطرات یک سیستم کامل می‌تواند با ضمانتها و یا تعهدات دولتی تسهیل شود. در این شرایط مزایای معین ارائه شده از سوی کارفرما، ریسک پرداخت مزایا براساس فرمول از سوی کارفرما پذیرفته می‌شد و به جز موارد ورشکستگی، کارفرما می‌تواند ریسک را بین کارگران فعلی و آینده تقسیم نموده تا جایی که دستمزدها تعدیل شود، در میان سهامداران با کاهش منافع و در بین مشتریان در صورتی که هزینه کسری بودجه بر روی قیمت‌ها تحمیل شود؛ این ریسک بیشتر تقسیم می‌شود.

این تخصیص را نیز می‌توان از طریق بیمه‌های دولتی یا تعهدات تغییر داد. در یک سیستم مزایای معین توازن هزینه و درآمد تأمین شده از سوی حق بیمه‌های اجتماعی اجباری (یعنی از طریق مالیات‌های لیست حقوق)، این ریسکها در بین حق بیمه‌دهندگان تقسیم می‌شود یعنی در بین نسل کارگر فعلی، تخصیص و واگذاری در سیستم توازن هزینه و درآمد خالص از طریق تعدیل مزایا و از طریق تفاوت‌های ذخیره‌سازی نسبی یا از طریق انتقال ریسکها در میان نسل‌ها، از طریق تعدیل حق بیمه‌ها یا مزایا می‌تواند دگرگون شود. در نهایت در یک سیستم تأمین شده از سوی درآمدهای عمومی و همچنین بجای حق بیمه‌ها ریسکها در میان تمامی پرداخت کنندگان مالیات تقسیم می‌شود و در نتیجه در میان نسل‌ها (از آنجا که مالیات‌های آینده و همین‌طور مالیات‌های فعلی با تغییر بدهی‌ها تغییر می‌کند). بنابراین سیستمی با یک عنصر توازن هزینه و درآمد مشارکت

در ریسک را در میان نسل‌ها امکان‌پذیر می‌نماید و این موضوع در یک سیستم حساب‌های انفرادی ذخیره‌سازی، توزیع بین نسل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سطوح سپرده‌گذاری توزیع بین‌نسلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

همانطور که بحث شد، ذخیره‌سازی که اندوخته‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توزیع ذخایر را در میان نسل‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جهت ارزیابی چنین سیاستی نیاز به ارزیابی موقعیت‌های مربوط به نسل‌های مختلف از جهت سطح حقوق، دستمزد، نرخ بیماری، مرگ و میر می‌باشد.

سیستم‌های مختلف مردان و زنان را بطور متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهند، سیستم‌های مستمری مانند سازمان‌های دیگر محرک‌هایی را ایجاد می‌کنند که تصمیم‌های مربوط به اشتغال با پرداخت حقوق و دستمزد، فعالیت‌های مربوط به نگهداری و مراقبت و فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آنها نیز در آمد مربوط به مردان و زنان را هم در زمان ازدواج و هم در زمان جدایی تحت تأثیر قرار می‌دهند. جهت انعکاس تنوع در ارزش‌های اجتماعی، تبعیض‌های فردی و موقعیت‌های اقتصادی یک کشور و بین کشورها باید تجزیه و تحلی‌هایی انجام پذیرد.

تحلیل اشتباهات: بانک جهانی و سایرین

مبحث مستمری‌ها در معرض ارزیابی مجدد اشتباهاتی است که برخی از آنها از سوی بانک جهانی ارائه شده ولی مطمئناً تنها بانک جهانی ارائه‌کننده این گونه اشتباه‌ها نبوده است. بررسی این که این خطاها بر اساس قضاوت‌های مختلف یا دیدگاه‌های متفاوت درباره طیف عملیاتی انجام شده است که نشان‌دهنده برخی از تحلیل‌های نادرست می‌باشند، امری مهم بنظر می‌رسد.

تصور مسیر عبور: تجزیه و تحلیلی که اغلب بطور ضمنی بر هدفی واحد مانند تعدیل مصرف معطوف باشد، می‌تواند ناقص باشد به دلیل آن که توجه غیرمکفی بر اهداف دیگر مانند برطرف نمودن فقر و برابری جنسیتی دارد.

به‌مین ترتیب، در نظر گرفتن بخشی از سیستم مستمری به تنهایی با نادیده گرفتن تأثیر بخش‌های دیگر کاملاً اشتباه می‌باشد. زیرا نتیجه مؤثری از انتقال توزیع مجدد درآمد از بخشی از سیستم به بخش دیگر به دست نخواهد آمد.

استفاده نامناسب از تجزیه و تحلیل از نوع اول و بهترین آن، باتوجه به کج‌روی‌های بازار کار که از طریق یک سری مقررات مستمری با نادیده گرفتن و یا سطح پایین حق بیمه‌های آن و اهداف گوناگون سیستم‌های مستمری به وجود آمده است، امری نادرست می‌باشد. یک سیستم مستمری که بتواند از فقر پیشگیری نماید کاملاً پیچیده خواهد بود، لازمه به حداقل رساندن این مشکلات به حداقل رساندن فقر می‌باشد، هر طرح مطلوبی مطمئناً بر این گونه مشکلات غلبه خواهد نمود که از آزادی مطلق اقتصادی شروع می‌شود این پیچیدگی‌ها ایجاد کننده هزینه‌های بازدهی نوع دوم ولی منافع و سودهای توزیعی نوع اول می‌باشند.

این بحث که رابطه بین حق بیمه‌ها و مزایا از جهت تأثیر بازار کار در حد مطلوب باشد، عموماً اشتباه گرفته می‌شود. البته سیستم مستمری‌ها باید برای اجتناب از پیچیدگی‌هایی به صورت بهتر طراحی شوند.

پذیرفتن این بحث که رقابت بین ارائه دهندگان مستمری از طریق افزایش حق انتخاب و کاهش هزینه‌های اجرایی به نفع مصرف‌کنندگان می‌باشد نادرست است. اگرچه در بسیاری موارد در سطح گسترده‌ای قابل اجرا می‌باشد، این بحث چالش‌های جدی در زمینه مستمری‌ها را که در باکس‌های ۲ و ۳ مورد بحث قرار گرفته بیان نمی‌نماید. این چالش‌ها بدان معنا نیست که هیچ حق

انتخابی برای مشتری نباید وجود داشته باشد ولی آن راه‌حل‌ها باید با دقت طراحی شوند، به عنوان مثال از طریق انگیزه‌های کافی برای بازنشستگی به تأخیر افتاده و عدم حق انتخاب.

استفاده نامناسب از تجزیه و تحلیل در حالت ثابت و پایدار:

تمرکز بر طراحی یک سیستم مستمری دستخوش اصلاحات در یک حالت ثابت و پایدار با نادیده گرفتن یا عدم اجرای مراحل که برای رسیدن به حالت ثابت و پایدار ضروری است، اشتباه می‌باشد. زمان بررسی انتقال مستمری‌های مبتنی بر سیستم توازن هزینه با درآمد به سوی سیستم مستمری‌های مبتنی بر اندوخته‌گذاری همانطور که در باکس شماره ۴ بطور کامل مورد بحث قرار گرفت کاملاً اهمیت پیدا می‌نماید. یک اشتباه این است که ذخیره‌سازی به دلیل افزایش بهره‌های بازار سرمایه بر نرخ رشد حقوق و دستمزد ارجحیت دارد و این امر به دلایل مختلف همواره مورد اشتباه قرار می‌گیرد.

عدم تجزیه و تحلیل مناسب بدهی ضمنی مستمری:

تجزیه و تحلیلی که تنها در تعهدات آتی صورت گرفته است. (یعنی پرداخت‌های مستمری در آینده) با نادیده گرفتن سرمایه‌های مشخص و دارایی‌های ضمنی از تعهدات دولت تا تعیین مالیات کمی نامکفی می‌باشند.

تمرکز بسیار کم بر هزینه‌ها نیز بهبود قابل توجه در روند رفاهی افراد بازنشسته‌ای که در صد آن رو به افزایش می‌باشد را نادیده می‌گیرد. درست مانند این که بدهی دولتی هرگز نیازمند بازپرداخت کامل نیست و زمانی که نرخ بدهی به تولید ناخالص بیشتر نشده است، مستمری‌های دولتی نباید به طور کامل ذخیره سازی شوند یک اشتباه در این رابطه یکسان دانستن بدهی ضمنی

می‌باشد. آنها یکسان نیستند، زیرا روش‌های تغییر ارزش واقعی دو نوع بدهی متفاوت بوده و بازارهای اوراق قرضه به نحو قابل توجهی برخورد متفاوت با آنها دارند.

تجزیه و تحلیل نامکفی تأثیر ذخیره‌سازی:

- تأکید گسترده بر روند درآمد و سطح زندگی مستمری‌بگیر در زمان بازنشستگی و قدرت خرید او و ... به نیروی کار کارگران جوانتر بستگی خواهد داشت. سیستم توازن هزینه با درآمد و سپرده‌گذاری هر دو راه‌های ساماندهی تقاضاهای مربوطه می‌باشند. بنابر این در زمینه تأکید بیشتر بر نحوه تأمین بودجه مستمری‌ها در جایی که بازده ملی و تقسیم آن بین کارگران و مستمری‌بگیران در آینده نادیده گرفته شود امری اشتباه است. اشتباه در این روند عدم تشخیص درست تأثیر سپرده‌گذاری بر خروجی‌های آینده و پاسخ غیرمکفی برخی سؤال‌ها می‌باشد که اغلب به طور نامناسب مورد اشاره قرار گرفته یا نادیده گرفته شده‌اند.

- آیا پس‌انداز رو به افزایش هدف خوبی می‌باشد؟

- آیا مستمری‌های مبتنی بر سیستم اندوخته‌گذاری عملکرد بازار سرمایه را تحکیم می‌بخشد؟

- آیا توزیع مجدد تأثیر بر نسل‌ها- که اجتناب‌ناپذیر است سیاست مطلوبی می‌باشد؟

ما به بحث مطلوبیت باز می‌گردیم یا در غیر این صورت ذخیره‌سازی در مباحث سیاست‌گذاری زیر، یک نمونه معمول این خطا بحث بر سر این موضوع می‌باشد که با حساب‌های حق بیمه معین ذخیره‌سازی شده جهت سازگاری با تغییرات آماری کار کمی مورد نیاز می‌باشد. طول عمر بیشتر در زمان بازنشستگی مزایای ماهانه را برای ذخایر موجود کاهش می‌دهد و بحث بر سر این موضوع می‌باشد که هیچ مشکل اجتماعی وجود ندارد. ولی این بدان معنی نمی‌باشد که هیچ مشکل اجتماعی وجود ندارد، یعنی در این مورد مزایای ناکافی، به خصوص در صورتی که سن بازنشستگی تغییر زیادی نداشته باشد.

- عدم موفقیت در زمینه نحوه ایجاد ذخایر: یک راه افزایش ذخیره‌سازی افزایش نرخ‌های حق بیمه (یا کاهش مزایا) در حال حاضر به منظور برخورداری از نرخ‌های حق بیمه کمتر یا مزایای بیشتر در آینده می‌باشد؛ روش دیگر قرارداد دادن دارایی‌ها در وضعیت اعتبار دادن به مستمری می‌باشد تا نگهداری از آنها در جایی دیگر. نکته اصلی بسیار ساده می‌باشد؛ افزایش ذخایر ملی، تغییرات مربوط به مستمری باید موجب کاهش مصرف فرد شود یا مصارف مربوط به کارگران در صورت افزایش حق بیمه‌ها یا مصارف مربوط به بازنشستگان در صورت کاهش مزایا. انتقال دارایی‌ها در صورت ذخیره آنها در جایی دیگر دارای آن تأثیر نمی‌باشد. خروجی بیشتری ایجاد نمی‌نماید، ولی توزیع مانع پرداخت مزایا را تغییر می‌دهد، شامل مزایایی که میراث یک سیستم مستمری قدیمی تر می‌باشند.

- تأکید نامناسب بر اختلاف دارایی‌های ذخایر: با وجود ادعاهایی مبنی بر این که نگهداری اوراق قرضه دولتی سودمند نمی‌باشد، نوع دارایی در یک صندوق ائتلافی حاکی از تأثیر فعالیت صندوق بر قدرت دولت در تأمین بودجه مزایا نمی‌باشد مانند نمونه‌های قبل. در صورتی که دولت نرخ‌های حق بیمه را جهت خرید (و سپس نگهداری) بدهی‌های دولت که در غیر این صورت باید به عموم فروخته می‌شد، افزایش دهد، دولت در وضعیت مالی بهتری خواهد بود حتی اگر دارایی‌های صندوق اعتبارات مستمری اسناد قرضه خود دولت باشند. بر عکس در صورتی که دولت بدهی‌های بیشتری را جهت تأمین بودجه خرید ذخایر صادر نماید، موقعیت مالی بهتری پیدا نخواهد کرد حتی اگر دارایی‌ها به صورت خصوصی نباشند.

نادیده گرفتن تأثیرات توزیعی - با در نظر گرفتن توزیع مجدد در سیستم‌های مستمری در میان نسل‌هایی با سال‌های مختلف تولد، بررسی در زمینه برنده و باخت ضروری است. یک خطای بزرگ و فاحش نا دیده گرفتن این واقعیت می‌باشد که هر نوع انتخابی میان توازن هزینه و درآمد

و ذخیره‌سازی سبب موجب حق انتخاب در زمینه توزیع مجدد در میان نسل‌ها می‌شود. در صورتی که سیاستگذاران یک سیستم مستمری جدید را ایجاد نمایند این که نکته روشن‌تر خواهد شد. در صورت معرفی یک سیستم توازن هزینه و درآمد، اولین نسل بازنشستگان یک مستمری دریافت می‌کنند، ولی بازگشت آن برای نسل‌های بعدی کمتر خواهد بود، در صورت ذخیره‌سازی کامل نسل‌های بعدی از بازخورد بیشتری بهره‌مند خواهند شد، ولی اولین نسل هیچ مستمری دریافت نخواهند کرد. بنابر این ارائه سود به مستمری‌بگیران در نسل‌های بعدی از آنجا که به بهای زیان اولین نسل به دست می‌آید اشتباه گرفته می‌شود. همین بحث در کشوری که تا کنون سیستم توازن هزینه و درآمد را اعمال نموده است، پیش می‌آید، یعنی سیاستی در جهت حرکت بسوی ذخیره‌سازی از طریق حق بیمه‌های بیشتر یا ارائه مزایای کمتر که از نسل‌های فعلی به نسل‌های آینده بطور مجدد توزیع می‌شود.

مزیت‌های یک حرکت بالقوه بسوی سیستم مبتنی بر ذخیره‌سازی هرچه که باشد، اشتباه در نادیده گرفتن تأثیر توزیعی بسیار شدید می‌باشد یعنی این که برداشتی مطلق از توزیع درآمد بین نسل‌ها. این موضوع واقعیتی را که یک عنصر توازن هزینه و درآمد در یک سیستم مستمری موجب بهبود وضعیت رفاهی بدلیل امکان بوجود آمده ریسک بین نسل‌ها می‌گردد (به عنوان مثال به دو تا، کاپور و ارزاگ سال ۲۰۰۰ مراجعه شود).

تحلیل تمامی این اشتباهات دارای اهمیت می‌باشد. نه به دلیل دفاع زیرا این گونه اشتباهات به اشتباهات سیاسی منجر می‌گردد که بسیاری از آنها در ارزیابی بانک جهانی از کار مستمری‌های خود مشاهده شده‌است.

باکس شماره ۴- چه چیزهایی را می‌توان با هم مقایسه نمود؟

در ارزیابی پیشنهاداتی برای رفم مستمری، روشن شدن سؤال‌هایی که قرار است پرسیده شود امری مهم است. به عنوان مثال، بنابر مباحث فلدشتاین سیستم تأمین اجتماعی امریکا اندوخته‌های ملی را کاهش داده‌است. یک سؤال کلیدی این است که چه نتیجه اصولی حاصل می‌شود.

تأمین اجتماعی امریکا کمتر از ذخیره‌سازی کامل ذخیره‌سازی شده‌است، به این دلیل که مزایای نسل‌های اول افزون بر آنچه از حق بیمه‌های آنان تأمین بودجه شده پرداخت شده‌است. هدف از پرداخت مزایای بیشتر افزایش میزان مصرف آن نسل‌ها بعد از بازنشستگی است و این امر موجب کاهش اندوخته‌های ملی گشت. بنابراین کاهش اندوخته ملی اثر جانبی اجتناب‌پذیر سیاست ضعیف طراحی شده نبود ولی یک نتیجه ضروری سیاست افزایش میزان مصرف برای بازنشستگان قبلی بود.

در صورتی که فرد ارزش مصرف نسل‌های پیشین را که ناشی از سرمایه‌گذاری کمتر بود، به حساب نیاورد، این تجزیه و تحلیل موجب ایجاد یک مقایسه بلند مدت می‌شود یعنی اوضاع اقتصادی امروز ایالات متحده را با آنچه باید در بلندمدت با مستمری‌های ذخیره‌سازی شده پیش‌می‌آمد مقایسه می‌کند. بنابراین سؤال اساسی به قرار زیر است: وضعیت رفاه در وضعیت بلندمدت B چطور با وضعیت بلند مدت A متفاوت می‌باشد؟ برای یک انتخاب سیاسی تحلیل مناسب سؤال متفاوتی را مطرح می‌کند: تأثیر رفاهی حرکت از وضعیت A به وضعیت B چیست؟ هر سؤالی دارای ارتباط منطقی است. آنچه بر حق نمی‌باشد گرفتن یک پاسخ برای یک سؤال و تعمیم آن به دیگری است.

کاربردهای سیاسی:

کاربرد این مباحث تئوریک برای سیاست چه می‌باشد؟ در بخش‌های بعدی جنبه‌های کلی طراحی مستمری، تأمین بودجه و ذخیره‌سازی و کاربرد آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طراحی مستمری:

کاربرد مناسب اهداف فوق می‌تواند به سیستم‌های مختلفی منتهی گردد و هیچ طرح مستمری واحد وجود ندارد در باکس شماره پنج مبحث ساده ولی مهمی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بنابر این تعجیبی ندارد که کشورها، سیستم‌هایی را انتخاب کرده‌اند که از روان‌سازی مصرف کم و بیش خالص بشکل پس‌انداز اجباری بدون برخورداری از بیمه به عنوان مثال صندوق ذخیره مرکزی سنگاپور که فقط دارای یک طرح پس‌انداز است تا یک مفهوم ابتدایی برای رهایی از فقر که از طریق یک مستمری با نرخ ثابت غیر حق بیمه‌ای با روان‌سازی مصرف بر اساس بیمه‌اختیاری (مانند نیوزیلند) متفاوت می‌باشد. در این میان سیستم‌های زیادی هر دو هدف را دنبال می‌کنند و از نظر درجه ذخیره‌سازی گستردگی زیادی وجود دارد (میزان تأمین بودجه مزایا از محل دارایی‌ها). برخی کشورها تأکید خاصی بر ذخیره‌سازی دارند (کانادا، شیلی، سوئد، ایالات متحده) در حالی که دیگران مستمری‌ها را بر پایه و اساس توازن هزینه و درآمد (فرانسه، آلمان، ایتالیا) سازماندهی می‌کنند. ذخیره‌سازی می‌تواند به صورت حساب‌های انفرادی (مانند شیلی و مستمری با حق بیمه متوسط سوئد) یا در یک صندوق تراست (مانند کانادا، سوئد و ایالات متحده) باشد. هلند دارای یک مستمری همگانی غیر حق بیمه‌ای توازن مبتنی بر هزینه و درآمد بر پایه سال‌های اقامت به همراه مستمری‌های حرفه‌ای ذخیره‌سازی شده می‌باشد که به صورت اجباری قابل اجرا هستند. مستمری تضمینی سوئد بر پایه اقامت بوده و تنها برای آن دسته از افرادی که دارای هیچ گونه درآمد مستمری اجباری نیستند ارائه می‌شود. در سال ۲۰۰۸، شیلی یک مستمری پایه غیر حق بیمه‌ای بر اساس اقامت را ارائه نمود که بر پایه ارزیابی دارایی می‌باشد.

اجتناب از مالیات‌های افزوده مطلق - قوانین مستمری تأثیر عمده‌ای بر تصمیم‌های مربوط به زمان بازنشستگی دارند. به خصوص قوانینی که خوب طراحی نشده‌اند می‌توانند مردم را به

بازنشستگی پیش از موعد تشویق کنند، چنین انگیزه‌هایی می‌تواند تأثیر مشابهی بر سن بازنشستگی اجباری داشته باشد.

گروبر و وایز (۲۰۰۴ و ۱۹۹۹) برای هر سال مالیات مطلق بر درآمد کارگران واجد شرایط بازنشستگی را محاسبه کرده و دریافتند که یک نرخ بالای مالیاتی انگیزه‌های خاصی را برای بازنشستگی پیش از موعد ایجاد می‌کند.

بازنشستگی پیش از موعد یا تأثیری بر کاهش بیکاری نداشته و یا دارای تأثیر کمی می‌باشد - باور عده زیادی بر این است که بازنشستگی پیش از موعد برای افراد جوانتر فرصت‌های شغلی ایجاد می‌نماید. ولی تعداد شغل‌ها ثابت نمی‌باشد. در وهله اول با ورود کارگران بیشتر به نیروی کار، آنها فشاری را در جهت کاهش دستمزدها وارد می‌کنند و پیدا کردن کارگران مناسب برای کارفرمایان آسانتر می‌شود و ایجاد اشتغال مورد تشویق قرار می‌گیرد، تعداد مشاغل متغیر بوده و تحت تأثیر تعداد کارگران می‌باشد.

در مرحله دوم، دریافت پیش از موعد مستمری کارگران را از نیروی کار خارج نساخته چون در جایی دیگر به کار ادامه می‌دهند در حالی که از کارفرمای قبلی مستمری دریافت می‌کنند. در مرحله سوم، در یک اقتصاد در حال رشد (به عنوان مثال چین) بیکاری شهری منجر به مهاجرت از مناطق روستایی می‌شود که می‌تواند هرگونه تلاشی را در کاهش بیکاری شهری از طریق بازنشستگی پیش از موعد با شکست مواجه سازد.

بر اساس شواهد بازنشستگی پیش از موعد بیکاری را کاهش نمی‌دهد، طی دهه‌های متمادی کشورهای پیشرفته شاهد کاهش فراوانی در متوسط سن بازنشستگی بوده‌اند به همراه هیچ نوع کاهش موازی در نرخ‌های بیکاری، و تفاوت‌های سطوح مالیاتی که دارای تأثیر خاصی بر بیکاری می‌باشد هیچ تأثیری بر بیکاری نداشته است.

بنابراین تغییر سیستم مستمری جهت ترغیب به بازنشستگی پیش از موعد با کاهش سن بازنشستگی اجباری - که هر دو راه‌حل‌های بلندمدت‌تری هستند به عنوان پاسخ‌های موقت به بیکاری چرخشی که موضوعی کوتاه مدت است، عملی اشتباه می‌باشد. بهتر است بر مزایای بیکاری و انگیزه‌هایی برای رشد اقتصادی بلندمدت تأکید داشته باشیم تا بدشکل نمودن بازار کار به این امید که بازنشستگی تأثیر زیادی بر بیکاری داشته باشد. مزایای از کارافتادگی باید بر پایه از کار افتادگی حقیقی پرداخت شود نه به عنوان پاسخی به بیکاری.

تأمین بودجه و ذخیره‌سازی:

به وعده‌های مستمری غیر قابل پرداخت باید به طور مستقیم اشاره نمود، بحث و منازعه‌ای که به طور متداول ولی به صورت نامکفی مطرح می‌شود، مستمری‌های توازن هزینه و درآمد با مشکلات مالی عمده‌ای روبه رو می‌باشند بنابر این باید خصوصی‌سازی شوند. هرگونه مشکل مالی که در پیش روی سیستم مستمری باشد، خصوصی‌سازی برای تعدیل آن کار زیادی نمی‌تواند انجام دهد بلکه آن را تشدید خواهد ساخت (مانند آنچه در آرژانتین انجام شد و با برخی طرح‌های امریکا می‌توانست انجام شود). تمایز قائل شدن بین دو سؤال امری مهم است: هزینه مالی مستمری‌های دولتی یک چالش بوده و آیا حرکت بسوی ذخیره‌سازی می‌تواند سودمند باشد؟

باکس شماره ۵:

هیچ نوع سیستم واحد مستمری به صورت بهترین وجود ندارد مستمری‌ها دارای چند هدف هستند یعنی رسیدن به تعدیل مصرف، بیمه، رهایی از فقر و توزیع مجدد. تعقیب این اهداف با موانعی روبه‌رو می‌باشد:

- توانایی مالی؛ از طریق توانایی بیشتر مالی سیستم درآمدهای بیشتری را برای یک سیستم مستمری پیدا می‌کند.

- توانایی سازمانی؛ از طریق توانایی بیشتر سازمانی راه‌های بیشتری برای طراحی مستمری امکان‌پذیر می‌شود.
- ارزش عملی پارامترهای رفتاری مانند پاسخگویی منابع اشتغال به طراحی سیستم مستمری و تأثیر مستمری‌ها بر اندوخته‌های خصوصی
- شکل توزیع درآمد پیش از نقل و انتقال؛ ادامه دادن روش نامکفی توزیع درآمد ضرورت به رهایی از فقر را بیش از پیش آشکار می‌نماید.
- به چند دلیل سیستمی واحد و به شکل بهترین وجود ندارد:
- سیاستگذاران فشارهای نسبی مختلفی را به اهداف ضمیمه کرده‌اند شامل نظراتی در مورد اهمیت رهایی از فقر و نحوه مشارکت این ریسک‌ها در میان نسل‌ها.
- الگوی موانع، شامل لرزش پارامترهای کلیدی در میان کشورها متفاوت است.
- پروسه‌های سیاسی مختلف در بین کشورها آنچه از نظر سیاسی امکان‌پذیر می‌باشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با توجه به راه‌هایی که از نظر اقتصادی و اجرایی امکان‌پذیر است.

اینها سئوالات جداگانه هستند که مستلزم پاسخ‌های جداگانه‌ای می‌باشند در صورت رویارویی یک مستمری دولتی با کسری بودجه، تنها راه حل افزایش حق بیمه، کاهش مزایا یا هر دو می‌باشد. در صورت وجود منافع بالقوه از محل ذخیره‌سازی، حرکتی که می‌تواند در آن راستا باشد سیاستی دقیق خواهد بود حتی در جایی که هزینه‌های مالی مستمری دولتی مورد حمایت باشند.

حرکت از توازن هزینه و درآمد تا ذخیره‌سازی اجباری می‌تواند یا نمی‌تواند میزان رفاه را افزایش دهد- آیا حرکت به سوی ذخیره‌سازی رفاه را افزایش می‌دهد یا نه به نحوه طراحی اصلاحات سیستم مستمری و ویژگی‌های کشور بستگی دارد. بهرحال تمامی کشورها باید نتایج زیر را بخاطر داشته باشند.

از راه‌های مختلفی می‌توان ذخیره‌سازی را سازماندهی کرد یعنی از طریق حساب‌های انفرادی ذخیره‌سازی شده و یا از طریق ذخیره‌سازی بدون حساب‌های انفرادی این امر امکان‌پذیر است. برای مثال از طریق یک صندوق امانت مرکزی مانند سوئد یا کانادا، یا برعکس حساب‌های انفرادی بدون ذخیره‌سازی از طریق یک سیستم حساب‌های ملی.

حرکت به سوی ذخیره‌سازی به طور کلی هزینه‌های مالیاتی عمده ای دارد. در یک سیستم توازن هزینه با درآمد مستمری‌های افراد مسن‌تر از طریق حق بیمه‌های کارگران جواتر پرداخت می‌شود. در صورتی که کشوری که بسوی یک سیستم ذخیره‌سازی حرکت می‌کند، حق بیمه‌های کارگران جواتر به حساب‌های انفرادی افراد واریز شده و بنابر این مستمری‌های افراد بازنشسته باید از منابع دیگری تأمین شود: مالیات بیشتر یا کاهش در ذخیره بودجه فعلی با قرضه دولتی بیشتر یا کاهش هزینه‌های طرح‌های دولتی. بنابر این حرکت بسوی ذخیره‌سازی به طور کلی موانع بیشتری را بر کارگران امروزی تحمیل می‌کند که نه تنها باید حق بیمه‌های خود را پرداخت کرده بلکه بخشی از مالیات‌هایی که مستمری‌های فعلی را تأمین می‌کند را نیز تأمین کنند.

یک راه برای بسط هزینه‌های مالی انتقال داخل شدن تدریجی در مستمری‌های ذخیره‌سازی شده می‌باشد. کشوری که خواستار معرفی حساب‌های انفرادی بوده و قادر به جذب هزینه‌های مالی انتقال نمی‌باشد یا در جایی که مؤسسات هنوز آنقدر قوی نیستند که از حساب‌های اجباری ذخیره‌سازی شده حمایت کنند، مستمری‌های حق بیمه‌های معین ملی اجباری تکمیل شده از طریق حساب‌های ذخیره‌سازی شده اختیاری را می‌توان انتخاب کرد. این رویه ساختار حساب‌های انفرادی را نگهداشته ولی از موانع اجرایی و مالی مضاعف ذخیره‌سازی اجتناب می‌کند، همچنین راه داخل شدن به ذخیره‌سازی را در مراحل بعدی بازنگه می‌دارد. این استراتژی در مورد چین قابل اجرا بوده و شامل دیگر کشورهایی می‌شود که ذخیره‌سازی اجباری می‌تواند نابهنگام باشد.

با در نظر گرفتن این هزینه‌های مالی، تجزیه و تحلیل‌ها نیازمند در نظر گرفتن هزینه‌های حرکت از یک وضعیت پایدار به موقعیتی دیگر می‌باشند، مقایسه موقعیت‌های محکم و استوار گذشته و آینده کاری اشتباه است. این تحلیل‌ها نیاز به در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود در سطوح مخاطرات و هزینه‌های اجرایی دارند.

- هیچ ارتباط خودکاری میان ذخیره‌سازی و رشد و توسعه وجود ندارد. ذخیره‌سازی نرخ رشد اقتصادی را بالا می‌برد، در صورتی که موجب افزایش پس‌اندازها یا بهبود کارایی هدایت پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری شود. این موضوع می‌تواند دلیلی بر موارد زیر باشد یا نباشد:

- تأمین مالی ذخایر بیشتر از طریق صدور بدهی موجب افزایش پس‌انداز نمی‌شود، پس‌انداز مستمری اجباری افزایش یافته از طریق کاهش پس‌اندازهای دیگر ممکن است متعادل شود و ذخیره‌سازی در صورت بالا بودن نرخ پس‌انداز (به عنوان مثال، چین) نمی‌تواند سیاست خوبی باشد.

- بازارهای سرمایه رسمی قادر به اختصاص ذخایر به سرمایه‌گذاری مؤثرتر در مقایسه با بازارهای سرمایه غیررسمی می‌باشند؟ منافع ناشی از کارآیی بازارهای سرمایه امکان‌پذیر بوده ولی به تأثیر اجرایی و حمایت سیاسی برای تنظیم بازارهای مالی پیشرفته بستگی دارد.

بنابراین ذخیره‌سازی می‌تواند پس‌انداز ملی را افزایش یا موجب افزایش بدهی کلی شده و موجب بهبود کارکرد بازارهای سرمایه شود. هر یک از اینها امکان‌پذیر بوده ولی اجتناب‌ناپذیر است. در هر کشور وضعیت اقتصادی می‌تواند برای ذخیره‌سازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یک نکته مرتبط این است که ذخیره‌سازی راه حلی خودکار برای مشکلات آماری نمی‌باشد بلکه مفید بودن آن به تأثیر سودمند آن در زمینه رشد و توسعه بستگی دارد. بدون ذخایر بیشتر،

زندگی طولانی‌تر مستلزم بازنشستگی پیش از موعد یا مزایای ماهانه کاهش یافته به هر طریقی که بودجه آنها تأمین شود خواهد بود.

حرکت به سوی ذخیره‌سازی دارای تأثیر بین نسلی می‌باشد. اگر قرار باشد ذخیره‌سازی رشد بازده را در آینده بیشتر کند، امروز باید موجب افزایش پس‌اندازها شود. ولی برای افزایش پس‌اندازها، باید کاهش در مصرف توسط دولت یا کارگران یا بازنشستگان امروز یا ترکیبی از اینها وجود داشته باشد. بنابراین حرکت به سوی ذخیره‌سازی بطور کلی مانعی را در برابر نسل‌های امروزی به نفع نسل‌های آینده ایجاد می‌کند. با توجه به ویژگی‌های کشور، این امر می‌تواند سیاست دقیقی بوده یا نباشد. به طور کلی معرفی یک سیستم جدید توازن هزینه و درآمد مستمری بیشتری را نصیب گروه‌های اول می‌کند در مقایسه با وضعیتی که سیستم جدید به طور کامل ذخیره‌سازی می‌شد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، هر انتخابی بین توازن هزینه و درآمد، ذخیره‌سازی جزیی و ذخیره‌سازی کامل نیز انتخابی در زمینه توزیع درآمد و مخاطرات در بین نسل‌ها است. حتی اگر ذخیره‌سازی موجب افزایش بازده نشود، اصلاحات نمی‌تواند به عنوان یک راه‌حل کلی مطرح شود.

اجرا:

ظرفیت اجرا مالی را نباید نادیده گرفت. مصرف مبحث مستمری‌ها باید با توانایی کشور در تأمین بودجه مصارف بازنشستگان سازگار باشد، یعنی سرمایه‌گذاری که به واسطه آن رشد اقتصادی آینده و توانایی دولت در افزایش عواید حاصل می‌شود. سیاستی که هزینه‌های مالی حرکت به سوی ذخیره‌سازی را نادیده بگیرد با مشکل مواجه می‌شود. به عنوان مثال چین با چالش حساب‌های خالی روبه‌رو می‌باشد، زیرا دولت‌های محلی اغلب حق بیمه کارگران را برای

حساب‌های انفرادی خود و تأمین کسری بودجه در مستمری‌های مبتنی بر توازن هزینه با درآمد و شارژ حساب‌های IOVS که در عمل اوراق قرضه دولتی هستند مورد استفاده قرار می‌دهند.

دولت یک مشارکت کننده ضروری در هر سیستم مستمری می‌باشد - همه سیستم‌های مستمری بر توانایی فنی بخش عمومی متکی هستند.

با سیستم‌های توازن هزینه با درآمد این موضوع شامل قدرت جمع‌آوری مالیات‌ها و حق بیمه‌ها، برای دنبال کردن سال‌های پرداخت حق بیمه کارگران می‌شود که جهت طراحی حق بیمه‌ها و مزایای آینده با داشتن دقت و صحت منطقی، قابل تغییر می‌باشد.

این فرض که مستمری‌های خصوصی دولت را از دخالت در امور مربوط به مستمری‌ها منع می‌نماید اشتباهی اساسی است. با توجه به عیوب عمده بازار که در باکس‌های ۲ و ۳ مورد بحث قرار گرفت، تشکیلات کاملاً خصوصی برای بیمه و متعادل نمودن مصرف یا مؤثر نبوده و یا وجود ندارد. دولت نقش عمده‌ای را در زمینه مستمری‌ها ایفا می‌کند. دولت باید با شرایط مربوط به حق بیمه مطابقت ایجاد کند به منظور ایجاد ثبات در اقتصاد کلان (و ثبات سیستماتیک در سطحی وسیع‌تر) و اطمینان از نظارت و قانونگذاری مؤثر طرح‌های مستمری و ابزارهای مالی شامل پاداش و سنوات. چنین سپاسگزاری جهت حمایت از افراد در حوزه‌های مختلف به منظور حمایت از خودشان امری ضروری است.

به طور کلی بازارهای خصوصی زمانی که دولت روش‌های روشن و مطلوبی را در جای خود گذاشته و در جایی که اجرا و اقدام قابل پیش‌گویی، صادقانه، مناسب و منصفانه است به بهترین نحوی عمل می‌کنند.

برای مستمری‌های خصوصی ظرفیت بخش خصوصی ضروری است در کنار توانایی دولت، مستمری‌های خصوصی نیز نیاز به توانایی قابل توجه بخش خصوصی دارند. امور اجرایی شامل

توانایی جمع‌آوری حق‌بیمه، نگهداری گزارش‌های فردی بصورت بلند مدت و مطلع ساختن کارگران از ذخایر خود و مزایای مورد انتظار و تصمیم‌گیری و پرداخت مزایا می‌شود. امور مالی شامل قدرت مدیریت سرمایه‌گذاری‌های بزرگ است. ظرفیت و گنجایش مصرف‌کنندگان مهم است.

مشارکت افراد در امور مستمری مستلزم کسب دانش کافی و انتظار از بازنشستگی و نحوه تفکر درباره انتخاب‌ها است. این امر که در کشورهای پیشرفته به اندازه کافی مشکل بوده حتی در اقتصادی که اکثر کارگران در اتخاذ چنین تصمیم‌های مالی تجربه‌ای ندارند مشکلتر است. بطور کلی مصرف‌کننده با مشکلات اطلاعاتی و نیز مشکلات مربوط به تصمیم‌گیری روبه‌رو می‌باشد.

مسائل اجرایی - لازمه اصلاحات مؤثر بیش از اجرای طرح ترجیحاً براساس سه گوشه توانایی استوار است: طراحی روش‌ها، اجرا کردن روش‌ها و اجرا نمودن روند اداری. اهمیت امور اجرایی مستلزم به کارگیری مهارت‌هایی است که تنها نیاز به طراحی روش‌ها دارد و آن مهارت‌ها زمانی که خط‌مشی‌ها طراحی می‌شوند باید بکار گرفته شوند. لازمه حساب‌های انفرادی ذخیره‌سازی شده مؤسسات مالی هستند که آنقدر دارای کارایی باشند که افزایش حجم مستمری‌ها آنها را باثبات‌تر نماید.

با این حال بانک جهانی مصرانه کشورهایمانند اوکراین و روسیه را جهت ایجاد اصلاحات چندپایه‌ای حتی در زمان ناپایداری شرایط اقتصادی تشویق نمود، همچنین چنین اصلاحاتی را در کشورهایی که دارای شاخص‌های اقتصادی ضعیفی بودند ترغیب نمود.

به هزینه‌های اجرایی حساب‌های انفرادی پشتوانه کافی ارائه نشده است، هزینه‌هایی که حتی در کشورهای پیشرفته دارای با سیستم‌های بلندمدت و نیز برای حساب‌های جزیی آن دسته از

کشورها که سیستم مستمری جدیدی را آغاز نموده‌اند، بسیار قابل توجه می‌باشند. به عنوان مثال افزایش یک درصدی دارایی‌های سالانه طی یک دوره ۴۰ ساله ذخایر و انباشته‌ها را به طور تقریب تا ۲۰ درصد در زمان بازنشستگی کاهش می‌دهد.

ظرفیت و توانایی اجرایی دولت نیز امری مهم است، با این حال، ... عملکرد ضعیف و گزارش‌های نامکفی دولتی در کشور بولیوی موجب سوءاستفاده از طرح از سوی مزایاگیران. همچنین دولت از تسهیلات برخوردار نبود که بتواند مستمری را بین سالمندان توزیع کند و بسیاری از این سالمندان برای دریافت مستمری باید از مناطق دور افتاده پیاده سفر می‌کردند.

ارتباط سود دهی کم و کاهش ارزش دارایی‌ها :

بر اساس سیاست‌های طراحی شده، اطمینان از ثبات طرح مبتنی بر مزایای معین با بحران ماندگاری روبه رو می‌شود. روش‌های ضعیف کارگران را با حمایت روش‌های سخت هزینه‌های مضاعفی را بر حامیان طرح تحمیل می‌کند که به متوقف نمودن نامکفی طرح‌ها منتهی می‌شود حداقل برای اعضای جدید. با این بحران در نظر گرفتن این که آیا طرح‌های مبتنی بر حق بیمه معین قابل ارائه از سوی کارفرما می‌تواند به جای طرح‌های مزایای معین جهت دستمزدهای جدید، به شرط داشتن ساختار مناسب و مقررات مطلوب نتایج اجتماعی خوبی را بیار آورد یا نه امری ضروریست.

مستمری‌های اختیاری دارای نقش مهمی هستند - مستمری‌های اجباری و اختیاری باید از یک سو بین ناکارآمدی ناشی از تعهد یک نواخت و از سوی دیگر شکاف‌هایی که در صورت کوچک بودن سیستم اجباری ایجاد می‌شود، تعامل برقرار نماید مستمری‌های اختیاری می‌تواند در کشورهایی که خواستار برخورداری از ذخایر می‌باشند ولی توانایی سازمانی یا مالی برای تضمین آن تعهد را ندارند که در مصرف تعادل ایجاد کند، به مورد اجرا درآیند.

طراحی مستمری و توسعه اقتصادی:

مباحث این بخش درباره طراحی مطلوب نبوده ولی در مورد محدودیت‌هایی است که انتخاب روش‌ها را برای کشورهای که در سطوح مختلف پیشرفت هستند ایجاد می‌کند.

ما اجرا و عملکرد را در سه نوع کشور در معرض دید می‌گذاریم: یک کشور در حال توسعه کم درآمد، یک کشور در حال توسعه دارای درآمد متوسط و یک کشور پیشرفته. کشورهای فعلی می‌توانند موقعیت‌های متوسط و مضاعفی را برای بخش‌های مختلف اقتصادی کسب کنند. مبحث اینجا شرایط متعارف مستمری‌های ردیف اول (با هدف اولیه‌هایی از فقر و تنگدستی)، مستمری‌های ردیف دوم (اجباری با هدف ثبات و تعدیل مصرف) و مستمری‌های ردیف سوم (اختیاری در سطح شرکت یا فرد، بواسطه مقررات و شاید درآمد، جهت تطبیق با اولویت‌های فردی).

مثال‌های زیر تنها به عنوان نمونه به نمایش گذاشته شده‌اند، آنها را نباید الگو به حساب آورد. توانایی اجرایی یک کشور ممکن است دارای بخش‌هایی باشد که در کشورهای دارای درآمد در برخی قسمت‌ها نمونه باشد و متعاقباً در سطحی عادی‌تر در کشورهای کم درآمد مشاهده می‌شود. موانع مالی می‌تواند سیستم‌های مختلفی را برای بخش‌های مختلف یا اشکال مختلف اشتغال دربرگیرد.

به عنوان مثال کشوری با درآمد متوسط ممکن است، سیستمی رسمی برای مناطق شهری و یک سیستم ساده برای مناطق روستایی داشته باشد. به طور مشابه سیستمی که برای کارکنان دولت طراحی شده ممکن است با سیستم طراحی شده برای کل کشور متفاوت باشد. زمانی که سیستمی ملی وجود دارد، کارکنان دولت باید بخشی از آن باشند به عنوان نمونه با یک مستمری تکمیلی شرکت‌های خصوصی بزرگ می‌توانند دارای ترتیباتی مشابه باشند.

تمامی مثال‌ها بر پایه فرضیه‌های زیر می‌باشد:

- پارامترهای سیستم (مانند سطح مزایا و سنی که مستمری برای اولین بار پرداخت می‌شود) با توان مالی سازگاری دارد و

- در کنار مستمری‌ها تمامی کشورهایی که دارای توانایی اجرایی لازم هستند درجه‌ای از حمایت براساس ارزیابی درآمد را برای سالمندان فراهم می‌کنند. ما کشورهایی را ذکر می‌کنیم که سازمان‌های خاصی از نوع آنچه ما توصیف کردیم را دارا می‌باشند در حالی که چنین کشورهایی الزاماً در گروه درآمدی توصیف شده قرار ندارند.

سیستم‌های مستمری پیش‌بینی شده برای یک کشور کم درآمد:

نوع اول - انتخاب شدیداً تحمیل شده است:

- یک کشور بسیار فقیر ممکن است، قادر به تأمین بودجه یا سازماندهی یک سیستم ملی فقرزدایی نباشد و در عوض بر خانواده، سازمان‌های خیریه و دولت محلی تأکید کند.

- در صورت وجود توانایی و گنجایش، استفاده از عواید دولتی برای رهایی از فقر از طریق نقل و انتقالات به دولت‌های محلی یا از طریق یک سیستم ملی که سن و سال در آن مورد نظر است امکان پذیر می‌شود.

کشوری در سطح پایین پیشرفت و توسعه یعنی با یک بخش غیررسمی گسترده و تولیدات داخلی قابل توجه عموماً توانایی انجام یک ارزیابی از سطوح درآمد را ندارد.

نوع دوم - کشوری در این سطح از پیشرفت و توسعه بطور کلی توانایی مدیریت یک سیستم مرتبط با درآمد اجباری را نخواهد داشت که در میان چیزهای دیگر مستلزم فشار آوردن بر حق بیمه‌ها و ارزیابی و نگهداری درآمد یک فرد طی یک دوره ۴۰ ساله با بیشتر می‌باشد. چنین کشورهایی چنین سیستم عملیاتی را باید به آینده موکول نمایند.

نوع سوم- هر نوع طرح پس‌انداز اختیاری اجرایی در کشور نباید مبتنی بر مالیات باشد از آنجا که ذخایر مالی شدیداً تحمیل شده و امتیازهای مالیاتی وجود ندارند. معهداً ارائه یک فرصت برای پس‌انداز اختیاری امری مفید است.

سیستم‌های مستمری شفاف برای کشوری با درآمد متوسط:

نوع اول- آن دسته از کشورهایی که در این دسته قرار دارند دارای انتخاب‌های زیر می‌باشند:

- یک مستمری غیر حق بیمه‌ای و قابل تأمین بودجه از طریق مالیات (مانند استرالیا، هلند، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و از سال ۲۰۰۸ شیلی) یا
- یک مستمری ساده حق بیمه‌ای مبتنی بر توازن هزینه با درآمد به عنوان مثال یک مستمری با نرخ ثابت براساس سال‌های پرداخت حق بیمه (از قبیل مستمری پایه دولتی در انگلستان یا بازنشستگی در کانادا).

نوع دوم- حق انتخاب بین موارد زیر می‌باشد:

- یک مستمری بر پایه مزایای معین، براساس درآمد و سازماندهی شده از سوی دولت یا یک مستمری NDC
- یک مستمری بر پایه حق بیمه معین به عنوان بخشی از یک صندوق ذخیره ملی (مانند مالزی و سنگاپور) یا با انتخاب فردی محدود.

در صورت وجود یک مستمری حق بیمه‌ای نوع اول، اینها می‌توانند جدا از آن یا به صورت یکپارچه باشند. سیاستگذاران باید میزان سطوح کاهش مالیات را مورد بررسی قرار دهند.

نوع سوم- مستمری‌های اختیاری با حق بیمه معین در سطح شرکت‌ها یا به صورت انفرادی امکان‌پذیر است؛ اجرای قوانین مهم است و هرگونه پرداخت مالیاتی باید در جهت اجتناب از پسروی بیشتر طراحی شود. پرداخت مالیاتی نباید به طرح‌های مزایای معین جدید تعمیم داده شود.

راه‌حل‌هایی برای سیستم‌های مستمری در یک کشور توسعه یافته:

نوع اول- کشورها باید موارد زیر را در نظر داشته باشند:

- یک مستمری غیر حق بیمه‌ای تأمین مالی شده از طریق مالیات مانند موارد فوق یک

مستمری حق بیمه‌ای با هدف از بین بردن فقر (مورد استفاده در بسیاری کشورها شامل

انگلستان و ایالات متحده) با هر یک از طرح‌های مختلف

نوع دوم- این منو شامل موارد زیر می‌شود(جداگانه یا پیوسته)

- یک مستمری مزایای معین که به صورت عمومی سازماندهی شده است.

- یک سیستم NDC (مانند سوئد)

- یک طرح پس‌انداز با هزینه‌های اجرایی ارزان با دسترسی به سنوات(مانند طرح پس‌انداز

و صرفه‌جویی برای کارکنان دولت فدرال در ایالات متحده)

- مستمری‌های مزایای معین ذخیره‌سازی شده اجباری که بخش صنایع حامی آن است

(سیستم غیر رسمی در هلند) یا مستمری‌های حق بیمه معین ذخیره‌سازی شده (مانند شیلی و

سوئد) احتمالاً شامل یک عنصر ضد فقر (مانند مکزیک)

نوع سوم- مستمری‌های حق بیمه معین اختیاری را می‌توان در سطح شرکت‌های صنعتی یا

افراد سازماندهی کرد؛ مقررات (به ویژه ذخیره‌سازی طرح‌های مزایای معین) از اهمیت برخوردار

است و هرگونه جانبداری از پرداخت مالیات باید در راستای اجتناب از افزایش پرداخت باشد.

واضح است که انتخاب‌ها با توجه به وسعت ظرفیت‌های اجرایی و مالی افزایش می‌یابند.

یک کشور:

- نباید سیستمی ورای توانایی‌های اجرایی و مالی آن ایجاد کند؛

- نباید یک سیستم مستمری مرتبط با درآمد اجباری را ارائه نماید تا این که ظرفیتی بالا جهت متناسب نگهداشتن گزارش‌ها طی یک دوره ۴۰ساله یا بیشتر را به دست آورد؛
- نباید حساب‌های انفرادی ذخیره‌سازی شده را معرفی کند (اجباری یا به عنوان جزیی از یک سیستم اجباری) تا بتواند سرمایه‌گذاری، انباشته‌سازی و پرداخت سنوات را منظم نماید. روشن است که یک کشور پیشرفته می‌تواند انتخاب‌های زیادی داشته باشد. بنابراین تعجبی ندارد که کشورهای غنی‌تر از سیستم‌های مختلفی برخوردار باشند. ولی حقیقت این است که چند انتخاب با مسائل مربوط به امکان‌پذیر بودن طرح‌ها نباید بد تعبیر شود: این که کشوری قادر به اجرای یک طرح مورد نظر از بعد اجرایی می‌باشد نباید به معنی خوب بودن طرح یا مزیت آن بر سیستمی با ظرفیت‌های اجرایی کمتر مدنظر قرار گیرد.

پیام‌هایی برای سیاستگذاران

مباحث:

- ریشه مشکلات تأمین مالی مستمری‌ها اجرای روش‌های بلندمدت و نه بحرانی کوتاه مدت می‌باشد.
- سیستم‌های مستمری دارای هدف‌های چندگانه، ساختار متفاوت، سابقه‌های متفاوت، روش‌های مختلف و موانع گوناگونی هستند.
- بنابراین هیچ وقت سیستمی را نمی‌توان بهترین نامید. سیستم‌های مستمری دارای ماهیت بسیار متفاوت هستند. یعنی همان گونه که باید باشند.
- راه‌حل‌ها با توجه به گستردگی موانع ظرفیت و گنجایش محدود می‌شوند. ولی حتی در پیشرفته‌ترین اقتصادها مزایایی به دلیل ساده نمودن انتخاب‌ها وجود دارد.

- رهنمودهای مربوط به اصلاحات مستمری‌ها نیاز به درک اهداف اساسی دارد. در زمینه رفع برخی عواملی که بوجود آورنده عملکردهای نامطلوب هستند توافق فراوانی به چشم می‌خورد.

- نمونه‌هایی از روش‌های غلط همان ادامه سیستم‌های ناپایدار برای مدتی طولانی است؛ یعنی اجرای یک سیستم که از موانع ظرفیت اجرایی فراتر رود افزایش مالیاتی بی‌اندازه‌ای را به همراه داشته باشد. بسیاری کشورها دارای سیستم‌هایی هستند که در آن مزایا به صورت ناکافی در مواجهه باشند بازنشستگی به تأخیر افتاده افزایش می‌یابند.

راه‌حل‌های کلی برای مشکلات مرتبط با پرداخت مستمری‌ها:

- در پاسخ به روش‌های بلندمدت هرگونه پیشرفتی در راستای تأمین مالی یک سیستم مستمری باید شامل موارد زیر باشد:
- نرخ‌های بالاتر حق بیمه
 - مزایای کمتر
 - بازنشستگی به تأخیر افتاده یا همان میزان ثابت مزایا
 - سیاست‌هایی مانند افزایش سطح پس‌انداز که برای افزایش بازده ملی طراحی شده‌اند. این امر آن است که میزان ذخیره‌سازی هر قدر که باشد از جمله اقدام‌های صحیح به شمار می‌آید.